

بسم الله الرحمن الرحيم

## خطرات دنیوی و اخروی مخالفت انسان با فطرت

(قسمت اول)

(ترجمه)

### پیش‌گفتار

اخیراً پدیده‌عمومیت یافتن هم‌جنس‌گرایی از دید هیچ‌کسی پنهان نیست، برخلاف این‌که معمولاً زندگی مردم طوری است که تلاش می‌شود، اعمال بد به دلیل زشتی آن‌ها در تاریکی و به دور از چشم مردم انجام شود؛ چون مرتکب این اعمال بیم دارد که اعمالش برای مردم برملا شده و مورد مجازات قرار گیرد. این درحالی‌است که اکنون میدان برای عمل زشت هم‌جنس‌گرایی فراخ گردیده؛ کنفرانس‌هایی در ارتباط به آن برگزار، برای حمایت از آن قوانین وضع می‌شود و بخشی از اخبار روزانه، هفتگی و فصلی را که برای عموم پخش می‌شود، به خود اختصاص داده، ویژه‌گی یک محرک نفرت‌انگیز برای زندگی مردم را به خود گرفته است. همان‌طور از حدگذری صریح و آشکار با الله و دین مبین اسلام می‌باشد؛ دینی که الله سبحانه و تعالی آن را رسالت‌نهایی برای همه بشریت قرار داده است و در آن حلال را بیان داشته که در صلاح معیشت همه بشریت در زندگی دنیوی شان بوده و آنان را در زندگی اخروی به سرای سعادت رهنمون می‌سازد؛ همان‌طور حرام را بیان داشته که معیشت همه بشریت را در زندگی دنیوی شان فاسد ساخته و آنان را در زندگی اخروی به سرای شقاوت و بدبختی می‌رساند.

پس از آن‌که پیروان بقیه ادیان در مقابله با انحرافات و منحرفان جنسی سست شدند و پس از این‌که اغوا شده، با توهم تسلط بالای جهان در فاسدسازی مردم با سران سرمایه‌داری همکاری کردند، تعداد قابل توجه از آن‌ها درگیر انحرافات شده و عوام مردم را از کارشان در حیرت فرو بردند، چاره‌ای جز برخورد با امواج شدید و آشوب‌ناک انحرافات ندارند؛ در حالی که نمی‌توانند از آن عبور کنند.

هم‌جنس‌گرایان تهدید واقعی برای فطرتی است که الله سبحانه و تعالی از همان آغاز خلقت، انسان را با آن در مرحله حیات آفریده است؛ چنان‌چه آدم را آفرید و برایش همسری قرار داد تا با او انس گرفته و با آن دو، وجود نوع بشر را تا زمانی که خود بخواهد حفظ نماید. هم‌چنین هم‌جنس‌گرایی خود باعث می‌شود که جایش را به تعامل جنسی معمول تبدیل نکرده و مخالف این حکم الله سبحانه و تعالی می‌باشد:

﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [نساء:3]

ترجمه: از زنانی که می‌پسندید، به نکاح خود در آورید.

کسی که سلسله اعمال هم‌جنس‌گرایی را مورد بررسی قرار دهد، می‌بیند که برای این اعمال توسط ادارات بالاتر جهانی برنامه‌ریزی می‌شود؛ اداراتی که سعی دارند از طریق سازمان ملل و سازمان‌های وابسته به آن، اقتدار خود را بالای جهان بقبولانند. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق امریکا در کتاب‌اش "انتخاب‌های دشوار" یک فصل کاملی را تحت عنوان "حقوق بشر یک کار ناتمام است" جدا ایراد داشته، در آن یادآور شده که کاخ سفید کشورهای سراسر جهان را کمک می‌کند تا جوامع آن‌ها، هم‌جنس‌گرایی و هم‌جنس‌گرایان را بپذیرند و بر این اساس سازمان ملل نیز با کمال شفقت و مهربانی کمک‌های خود را برای هم‌جنس‌گرایان جنسی بسته‌بندی می‌کند و طرح 2030م نیز چیزی نیست جز یک ترجمه عملی برای این مسئله.

بر ما به عنوان انسان‌های عادی و به عنوان حاملان دعوت و کسانی که در تلاش تطبیق دوبارهٔ اسلام در چوکات دولت خلافت راشد دوم بر منهج نبوت می‌باشیم، واجب و لازم است -تا برای این که مسلمانان را بعد از بدبختی که صدسال از آن می‌گذرد، به سوی سعادت سوق داده و خیر را بر روی زمین و کسانی که در آن قرار دارند، عام بسازیم- خطر دنیا و آخرت مخالفت با فطرت انسان‌ها را در موجودیت انحرافات و هم‌جنس‌گرایان در میان شان، برای انسان‌ها نشان دهیم و انگیزه‌ای برای ما باشد تا تلاش و عمل خود را در راه انجام وظیفه اقامهٔ نظام الله بر روی زمین، مضاعف نماییم؛ در راه اقامه نظامی که زندگی بشر را نظم داده و خشکه و دریا از آن بهره‌مند شده و کسانی را که علناً به هم‌جنس‌گرایی پرداخته و از خالق و مخلوق آن شرم ندارند، از میان بر می‌دارد.

هرکس به آن‌چه در این نوشته در مورد گسترش دعوت به هم‌جنس‌گرایی و رسمیت آن و تعهد حمایت از بی‌بندوباران جنسی با صدور قوانین بین‌المللی... آگاهی حاصل کند، می‌بیند که امروزه در جهان هیچ چیزی جز اسلام و مسلمانان وجود ندارد که در مقابل این دعوت فاسقه و ظالمانه بایستد. هم‌چنان متوجه می‌شود که الله فاسقین این چنین دعوت‌ها را هشدار داده است که آنان را به عذابی همانند عذاب قوم لوط از جانب خود گرفتار می‌کند؛ چنان‌چه می‌فرماید:

﴿وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبِيعِدٍ﴾ [هود: 83]

ترجمه: وچنین عذابی از ستمکاران دور نیست.

ما نمی‌دانیم که الله سبحانه آنان را خود عذاب می‌نماید و یا این که توسط ما آنان را عذاب می‌نماید، چون الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّونَ بِنَاءٍ إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبُّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا ۗ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾ [توبه: 52]

ترجمه: بگو: آیا در باره‌ای ما انتظاری جز یکی از این دو نیکی (شهادت یا پیروزی) را دارید؟ حال آن‌که ما در باره‌ی شما انتظار می‌بریم که الله از سوی خویش یا به دستان ما عذابی به شما برساند، پس منتظر بمانید که ما هم با شما منتظر می‌مانیم.

ای بارالها، دولت خلافت را در میان مان اقامه بدار تا زمین را از پلیدی این جنایتکاران در حال سرنگونی، پاک بدارد... چون تو صاحب اختیار این کار و قادر بر آن هستی!

#### مقدمه

الله سبحانه و تعالی کائنات، انسان و حیات را آفرید و برای همه نظامی قرار داد تا بر آن مسیرشان را ببینند؛ اما مخصوصاً در مورد انسان الله سبحانه و تعالی آدم علیه السلام و همسرش را از نزدیک شدن به درخت خاصی و از افتادن در ظلم، نهی نموده و به آدم علیه السلام فرمود:

﴿يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [بقره: 35]

ترجمه: ای آدم! با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمت‌هایش هرچه می‌خواهید، بخورید؛ اما به این درخت نزدیک نشوید که جز ستمکاران خواهید شد.

هنگامی که الله سبحانه و تعالی انسان را آفرید، غرایز و حاجات عضوی را در او ایجاد کرد که زندگی، اشباع آن‌ها را می‌طلبد. مردم برای اشباع غرایز و حاجات عضوی خود، به راهنمایی پیامبرانی از جانب الله سبحانه و تعالی نیاز داشتند تا به آن‌ها نشان دهند که چگونه آن‌ها را به شکل درست آن اشباع کرده و به سعادت دنیا و کامیابی آخرت آنان منجر شود؛ چون الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [نحل: 97]

**ترجمه:** به هر مؤمن نیکوکاری/عم از مرد و زن زندگی نیک و پاکیزه‌ای می‌بخشیم و به آنان مطابق بهترین کرد/رشان پاداش می‌دهیم.

مردم برای اشباع غرایز و حاجات عضوی خود به راهنمایی پیامبرانی از جانب الله سبحانه و تعالی نیاز داشتند تا آنان را از اشباع نادرست، خطا و غیر معمول غرایز و حاجات عضوی شان نهی نموده و آنان را هشدار دهد که مخالف اوامر الله سبحانه و تعالی قرار نگیرند؛ چون اشباع نادرست غرایز و حاجات عضوی و مخالفت با اوامر الله سبحانه و تعالی موجب سختی در زندگی و زیان در آخرت می‌شود؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَعْمَىٰ﴾ [طه: 124]

**ترجمه:** هرکس از ذکر (شریعت) من روی گردانی کند، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا حشر خواهیم کرد.

در مورد آن‌چه غربی‌ها و کمونیست‌ها ادعا می‌کنند که سرکوب‌گریزه جنسی در زن و مرد باعث بیماری‌های جسمی، روانی و روحی می‌شود، این درست نیست و توهمی است که با حقیقت منافات دارد؛ زیرا بین‌گریزه و حاجات عضوی از نظر حتمی بودن اشباع، تفاوت وجود دارد. حاجات عضوی مانند خوردن، آشامیدن و رفع حاجت ناگزیر باید اشباع شود و اگر اشباع نشود در نتیجه به انسان آسیبی می‌رساند که ممکن است به مرگ منجر شود. اما غرایز مانند غریزه بقای نفس، غریزه تدین و غریزه بقای نوع، اشباع آن‌ها حتمی نیست و اگر اشباع نشوند، هیچ آسیب جسمی، روحی و روانی در پی ندارد؛ بلکه فقط باعث ناراحتی می‌شود.

در انسان سه غریزه بیشتر وجود ندارد: غریزه بقای نفس، غریزه تدین و غریزه بقای نوع، که سایر مظاهر غریزوی دیگر در ذیل این سه غریزه قرار می‌گیرد.

غریزه تدین، مربوط به انجام امور زندگی بر اساس دین می‌شود که شخص از آن پیروی می‌کند. بنابراین، اشباع این غریزه در صورتی صحیح است که عقیده آن دین، عقل را قناعت داده و با فطرت موافق باشد، مانند عقیده "لااله الا الله محمد رسول الله؛ هیچ معبودی جز الله نیست و محمد رسول الله است" که اشباع صحیح غرایز بقای نفس و نوع را نیز به دنبال داشته و در نتیجه انسان را در دنیا سعادت‌مند ساخته و در آخرت کامیاب‌اش می‌سازد؛ اشباعی نادرست و غیر معمول انسان از طریق دین به آن رهنمود می‌شود که عقیده آن عقل را قناعت نداده و با فطرت موافق نیست، مانند عقیده "سکولریزم/جدایی دین از زندگی" که اشباع نادرست غرایز بقای نفس و نوع را به دنبال داشته و در نتیجه انسان را به بدبختی در دنیا و زیان در آخرت می‌کشاند.

غریزه بقای نفس با حفاظت انسان از خودش اشباع می‌شود، به دلیل وجود این غریزه، انسان تلاش می‌کند تا بتواند به زندگی ادامه داده و از چیزی که او را نابود می‌کند، دور شود. حُب انسان به تسلط بر دیگران، حُب به مالکیت و نفرت از مرگ... از مظاهر این غریزه می‌باشد.

گریزه بقای نوع، در تناسل و توالد انسان و در شتاب آن برای نجات سایر انسان‌ها در لحظه خطر - هر چند آن انسان از دشمنان‌شان باشد- تجلی می‌یابد که صحبت مان منحصر بر چگونگی اشباع این گریزه به طریق درست آن و همان‌طور منحصر به بیان خطرات اشباع آن از طریق نادرست و غیر معمول می‌باشد. به همین ترتیب، پیامدهای اشباع درست و نادرست را بیان خواهیم داشت. الله سبحانه و تعالی برای حفظ نوع بشر، مذکر و مؤنث را آفریده و از طریق رسولش اشباع گریزه نوع‌شان را تنظیم، سپس چنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ [مؤمنون: 5-6]

**ترجمه:** آنانی که حافظ شرمگاه‌های‌شان هستند، جز بر همسران‌شان و کنیزان‌شان که در این صورت سرزنش نمی‌شوند.

اشباع نادرست گریزه بقای نفس با داشتن رابطه جنسی بین زن و مرد به دور از اوامر الله سبحانه و تعالی است. این که زن و مرد بدون از عقد ازدواج باهم رابطه جنسی داشته باشند؛ رابطه‌ای که شریعت آن را حرام قرار داده و از نزدیک به آن نهی نموده و برای مرتکبین آن مجازات بازدارنده شلاق یا سنگسار تا فرارسیدن مرگ را مقرر داشته است؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ ۖ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [اسراء: 32]

**ترجمه:** و به زنا نزدیک نشوید که کار بسیار زشت و راه بد و ناپسندی است.

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ [انعام: 151]

**ترجمه:** و به کارهای زشت اعم از آشکار و پنهان آن نزدیک نشوید.

اما اشباع غیرعادی و بی‌قاعده گریزه بقای نوع، چیزی غیر از این می‌باشد، که عبارت از رابطه جنسی مرد با مرد و یا رابطه جنسی زن با زن است؛ به علاوه رابطه جنسی انسان با حیوانات، به حالت فاعل بودن و یا مفعول بودن. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ [مؤمنون: 7]

**ترجمه:** پس کسانی که (به غیر از آمیزش با همسران و کنیزان تحت ملک‌شان) در پی راه (آمیزش) دیگری باشند، تجاوزکارند.

قرطبی در تفسیر "الجامع لاحکام القرآن" بیان می‌دارد که زجاج در تفسیر این آیه چنین می‌گوید: «یعنی (هر کس که غیر از این را بخواهد) که مفعول ابتغاء (خواستن) حذف شده و وراء (غیر) ظرف است و ذالک (آن) به هر ذکر شده‌ای، اشاره می‌شود، خواه مذکر باشد، خواه مؤنث.» (الجامع لاحکام القرآن ج 12 ص 107)

اصطلاح هم‌جنس‌گرایی در شریعت به کار نرفته است؛ اما از آن به دو لفظ "لواط Sodomy" و "سحاق (تعامل جنسی زن با زن) Tribadism"، البته علاوه بر معاشرت با حیوانات، تعبیر شده است. هم‌جنس‌گرایی اصطلاح جدیدی است که به تمام اعمال جنسی غیرطبیعی مخالف فطرت انسانی که الله سبحانه و تعالی انسان را با آن آفریده است، اطلاق می‌شود.

**حکم دگرباشی در اسلام**

هم‌جنس‌گرایی مخالف فطرت حفظ نوع انسان و خروج ازدائره تعامل جنسی معمول در بین مردم است. بنابراین از زمان ظهور این عمل در زمان لوط علیه السلام، حتی در رسالت محمد صلی الله علیه وسلم بر مرتکب آن، از جانب الله سبحانه و تعالی مجازات مرتب شده است. عذاب قوم لوط یکی از سخت‌ترین عذاب‌های روی زمین بود. پس از ظهور عمل هم‌جنس‌گرایی در زمان لوط علیه السلام، بقیه ادیان نیز با این عمل چنین تعامل نمودند؛ چون الله سبحانه و تعالی آن‌ها را از انجام این عمل منع کرد و عاملان آن را مجازات کرد.

ابوداود، ابن ماجه، ترمذی، نسایی و دارقطنی از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت نموده اند که چنین می‌فرماید:

«مَنْ وَجَدَ تَمُوهُ يَعْمَلُ عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ فَأَقْتُلُوا الْفَاعِلَ وَالْمَفْعُولَ بِهِ»

**ترجمه:** هر که را در حال انجام کار قوم لوط یافتید، بکشید خواه فاعل باشد یا مفعول.

البته این الفاظ از ابوداود و ابن ماجه است. ترمذی لفظ «أَحْصَنًا أَوْ لَمْ يُحْصِنًا؛ محصن باشد یا غیر محصن» را اضافه می‌کند.

اولین کسانی که از آغاز خلقت به اشباع بی‌قاعده در میان مردان پرداختند، قوم لوط علیه السلام بودند؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفُحْشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (80) إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ [اعراف: 80-81]

**ترجمه:** ولوط را (فرستادیم)؛ آن‌گاه که به قومش گفت: آیا مرتکب کار زشتی می‌شوید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟ شما از روی شهوت و هوس‌رانی به جای زنان با مردان آمیزش می‌کنید؛ بلکه شما مردمان تجارکاری هستید.

برای این که الله سبحانه و تعالی مردم را به فطرت طبیعی شان بازگرداند و این که این عمل را به انسان‌های دیگر منتقل نکنند، به سوی قوم لوط از میان شان رسولی فرستاد تا آنان را از خطرناک بودن عمل شان آگاه کند و از آنان را از آن نهی کرده و از عذاب خالق شان بیم دهد. آمیزش جنسی زنان با زنان، پس از آمیزش مردان با مردان پدیدآمده نه قبل از آن.

در این مورد هیچ اختلافی نیست که الله سبحانه و تعالی لوط علیه السلام را فرستاد تا قومش را از فحشاء (رابطه جنسی مرد بامرد) نهی کرده و آنان را از عذاب شدید الله سبحانه و تعالی که در کمین شان است، بیم دهد. صاحب القاموس المحيط می‌گوید: «فحشاء عبارت است از زنا، مذموم‌ترین گناهان و هر آن‌چه الله سبحانه و تعالی از آن نهی کرده است.» عذاب قوم لوط علیه السلام این بود که الله سبحانه و تعالی به جبرئیل علیه السلام دستور داد که شهرهای شان را از ریشه برکنده و به آسمان بلند نموده، آن‌ها را زیر و روی کرده و سپس بر آنان باران از سنگ و گل سرازیر نماید. چنان‌چه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأعراف: 84].

**ترجمه:** و بارانی (از سنگ) بر آنان فروریختیم؛ پس بنگر که عاقبت مجرمان چگونه بود؟

هم‌جنس‌گرایی در تاریخ یونان و روم

زمان یونانیان نزدیک به هزار و پنصدسال از زمان لوط علیه السلام فاصله داشت. اما زمان یونانیان، از زمان سدوم که برحاشیه دریای مدیترانه از جانب شمال قرار داشته و به اعمال قوم لوط علیه السلام بازگشته بودند، چندان دور نبود. از آنجایی که یونانیان "اغریق" در بت پرستی غوطه‌ور بودند و چهار قرن قبل از میلاد عیسی علیه السلام، همجنس‌گرایی در بین آن‌ها رواج داشت، طبیعی است که در یک مدینه فاضله، سیاستمداران و سربازان حق رابطه جنسی آزاد و خودداری از تشکیل خانواده مخصوص خود را داشتند. به این دلیل که پیوندهای خانوادگی که به شخص عاطفه و گرما می‌بخشد، آن‌ها را تعطیل، محدود، ترسو و متردد می‌کند؛ چون در صورت تشکیل خانواده نسبت به خانواده خود احساس ترس می‌کنند. همان‌طور برای فاشیست‌های ایتالیایی به رهبری موسولینی چنین آزادی داده شده بود.

آتنا به لواط، اسپارتا و جزیره لسبوس به سحاق (آمیزش زنان با زنان) معروف بودند، در این شهر شاعره سافو Sappho در سال 570 قبل از میلاد به این عمل زشت شهرت داشت. علاقه سقراط فیلسوف و معلم 470 تا 399 قبل از میلاد در آتنا، به پسرچه‌ها مشهور بود. او معشوقی به نام السیبیاد داشت و پیوسته هم‌ریش بود؛ چنان‌چه وی در "المأدبة" شرح می‌دارد که «من به عشقی که نسبت به این مرد دارم، کدام مشکلی ندارم... از زمانی که شروع به دوست داشتن او کردم، دیگر نمی‌توانستم به یک جوان خوش‌تیپ نگاه کنم و حتی با او صحبت کنم؛ مگر این که او تحت تأثیر حسادت شروع به فحش دادن و توهین می‌کرد و سپس از دیدن من خودداری می‌کرد.» پس از او شاگردش افلاطون 428-348 قبل از میلاد، صاحب مدینه فاضله نیز استاد خویش را پیروی می‌کرد؛ کسی که هرگز ازدواج نکرد. گریگوری ولستوس نقل می‌کند که افلاطون همجنس‌گرا بود و مبارزه او با همجنس‌گرایی تنها به دلیل احساس گناهی بود که در نتیجه انجام آن گناه احساس می‌کرد. او در کتابش "ولیمه" به توضیح همجنس‌گرایی پرداخته بود. بیشتر اشراف یونانی یک همسر و یک پسر محبوب داشتند. زینون رواقی، "بنیانگذار رواقیون" یک همجنس‌گرا بود، در حالی که شاعر آگاتون دو جنسیده بود.

به محض این که امپراتوری روم در سال 27 قبل از میلاد به عنوان وارث یونان ظاهر شد، همجنس‌گرایی راه یونانیان را دنبال کرد و به این میزان رسید که در سال 27 قبل از میلاد، در زمان سلطنت آگوستوس سزار، به عنوان اولین ازدواج همجنس‌گرایی ثبت تاریخ شد. رومیان در آن زمان از طریق نقاشی‌ها و مجسمه‌های هنری که با جذابیت‌های بدن مرد معاشقه می‌کنند و تجسم رابطه جنسی بین مردان بود، برای همجنس‌گرایی جشن بزرگداشت می‌گرفتند و به دنبال آن خود امپراتورها با مردانی مانند خودشان رابطه جنسی برقرار کرده و آن‌ها را به عنوان همسر انتخاب می‌نمودند.

مورخان بیان می‌دارند که امپراتور رومانی نیرون در سال‌های 54-68 م با امیر اتو و سپس با پسری به نام اسپروس پس از کشتن همسرش پویی سابینا، تعامل جنسی داشت. او اسپروس را اخته کرد، علناً او را به عنوان همسر خود انتخاب و او را مجبور کرد که لباس زنانه بپوشد. به همین ترتیب، امپراتور تراژان (98-117 م) نیز همجنس‌گرا بوده و با مردان تمایل جنسی داشت. امپراتور ایل جبل 218-222 م با زوتیکوس در یک مراسم عمومی با خوشباش‌گویی عموم ازدواج کرد.

اگر ما به اعمال یونانیان و رومی‌ها در انجام اعمال همجنس‌گرایانه آشکار، از طریق ازدواج با پسران، آمیزش جنسی غیرمعمول با برده‌ها و تعاملات جنسی شان در حمام‌های آب گرم نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که آنان نسبت به همجنس‌گرایی کدام مشکل قایل نبوده و آن را قانونی نیز کرده بودند؛ چیزی که به "باداراستیا"  $\pi\alpha\iota\delta\epsilon\rho\alpha$  معروف بود. علاوه بر این که آن‌ها با دشمنان شکست‌خورده خود برای نکوهش و اظهار بد رفتاری با آنان، این عمل را انجام می‌دادند؛ چون دشمنان شرقی آن‌ها همجنس‌گرایی را عیب می‌شمردند.

با ظهور مسیحیت - که امپراتوری روم از زمان پیدایش به آن تعامل کرده بود و قسطنطین جز در شورای نیقیه در سال 325م آن را دین رسمی امپراتوری قرار نداد- جایی برای همجنس‌گرایی در آن وجود نداشت، بی‌بندوباری جنسی را گناهی مهلک و هولناک می‌دانستند و به عنوان جنایتی شنیع که با آموزه‌های دین مسیحیت و فطرت بشری در تضاد باشد، پذیرفته نشد؛ به ویژه این که قریه قوم لوط علیه السلام در فاصله‌ی سنگرس ناصره قرارداداشت. قسطنطین قانونی وضع کرد که همجنس‌گرایی را جرم قرار داد و مجازات آن را سوزاندن با آتش تعیین کرد. از آن زمان تا قرن هجدهم اروپا با همجنس‌گرایی چنین رفتاری داشت. آلمان در قرن پانزدهم و شانزدهم مرتکب همجنس‌گرایی را با مرگ وحشتناکی چون انداختن آن‌ها در قفس حیوانات وحشی یا سوزاندن آن‌ها با آتش، مجازات می‌نمود و همجنس‌گرایان زن و مرد را در سراسر قاره تحت تعقیب قرار می‌داد.

### همجنس‌گرایی در عصر کنونی

با ظهور اسلام، همجنس‌گرایی در تاریکی فرو رفت و عاملان عمل قوم لوط علیه السلام با پرتاب از بلندی و تعقیب آنان با پرتاب سنگ به مجازات اعدام محکوم شدند. با ضعف دولت خلافت و پس از سقوط آن در سال 1342ه.ق / 1924م، این اعمال همجنس‌گرایی دوباره پدیدار و مروجین آن‌ها ظهور کردند. در تاریخ معاصر ما، زیگموند شلومو فروید (1856-1939) اولین کسی می‌باشد که مجدداً راه را برای همجنس‌گرایان در اروپا، در عصر مدرن باز کرد. با ارائه یک نظریه روانشناسی با این نتیجه‌گیری که «انسان در اصل همجنس‌گراست و تمام تصورات او در زمینه سکس خیلی طبیعی بوده و دائر بر دوران جنس است و تمام ممنوعیت‌ها در این زمینه، از جمله خرافات دینی است!»

در فرا رسیدن سال 1897م، مگنوس هیرشفلد (1868-1935) م با انتشار مقاله ای در سال 1896 م با عنوان "سافو و سقراط" عملاً آن‌چه را فروید در آلمان گلیون دوم گفته بود، در عمل تطبیق نمود. وی در این مقاله گفت: «همجنس‌گرایی یک پدیده کاملاً طبیعی است، جامعه نباید آن را بد بشمارند.» سافوس Lesbos، زن همجنس‌گرای یونانی و شاعر بود که در قرن هفتم و در سال‌های 570 قبل از میلاد، در جزیره لسبوس Lesbos در دریای ایژه زندگی می‌کرد که لژیبن‌ها (معرب Lesbianism به معنی آمیزش جنسی زن با زن) وی کسی بود که با دختران همجنس خود معاشقه داشت. سقراط، فیلسوف یونانی است که به همجنس‌گرایی معروف بود.

سپس اولین اتحادیه همجنس‌گرایان در تاریخ با نام "صندوق علمی انسانی" تأسیس شد که به شکل آشکار به همجنس‌گرایی دعوت می‌کرد و اولین مجله همجنس‌گرایان زن و مرد را منتشر کرد و برای لغو قانون پروسی کمپانی را برگزار کرد؛ قانونی که همجنس‌گرایی در بین مردان را ممنوع می‌کرد. وی با مردان همجنس‌گرا هم‌رأی کمپانی را سازماندهی و از سراسر جهان امضاءهای را علیه قانون ضد همجنس‌گرایی جمع آوری کرد، از جمله امضاء افراد مشهوری مانند آلبرت انیشتین، فیزیک‌دان معروف 1879-1955م، امیل زولا، رمان نویس فرانسوی 1840-1902م، توماس مان، نویسنده و ادیب آلمانی 1875-1955م و لئون تولستوی، نویسنده روسی 1828-1910م. حتی وی توانست همجنس‌گرایان را از زندان‌های آلمان آزاد کند، با تأثیری که بر افرادی مانند آنان در اطرافیان گلیوم دوم داشت.

همراه با پایان جنگ جهانی اول و وقوع تحولی شگرف در صحنه بین‌المللی مانند شکست آلمان، انهدام خلافت عثمانی و ظهور اتحاد جماهیر شوروی، این فرصتی بود که هیرشفلد انحلال و از هم ریخته‌گی بیشتری نشان دهد. وی در سال 1919م در برلین اولین فیلم سینمایی را به عنوان متفاوتی از دیگران که حاوی همجنس‌گرایی بود، ساخت و در همان سال مؤسسه علوم جنسی را تأسیس کرد که به مرکزی برای مردان همجنس‌گرا و مرکز اصلی تبلیغ همجنس‌گرایی تبدیل شد و کتابی در مورد همجنس‌گرایی در مردان و زنان منتشر کرد که شامل بیش از 1000

صفحه بود. با این گمراهی ستمکار هیرشفلد هیچکس عکس العمل نشان نداد؛ مگر آدولف هیتلر که در سال 1933م حقوق همجنس‌گرایان را لغو و قانون پروس که همجنس‌گرایی را جرم می‌شمارید، دوباره تصویب کرد و 10000 تا 15000 همجنس‌گرا را بازداشت کرد. اما در سال 1957، دولت آلمان قانونی که همجنس‌گرایی را جرم می‌شمرد، کنار گذاشت و در سال 2000م آلمان به تنهایی صندوقی برای غرامت به قربانیان هیتلر تأسیس کرد که همجنس‌گرایان در آن نیز سهم داشتند و در سال 2008م بنای یادبود برای آن‌ها ساخته شد.

## اروپا و همجنس‌گرایی

ما دیدیم که آلمان چگونه بزرگترین نقش را در ظهور همجنس‌گرایان در اروپا ایفا کرد. همان‌طور بقیه کشورهای اروپایی نیز با همجنس‌گرایان و همجنس‌گرایی ساخت‌وباخت‌های داشتند؛ طوری که همجنس‌گرایان راه خود را باز کرده بودند و سه سال قبل از طلوع قرن جدید برای اشغال کرسی در دولت‌هایشان آمده بودند تا جایی که آن‌ها سه وزارتخانه را در لندن اشغال کردند تا خواهران (امثال) شان از پایتخت‌های اروپایی با هموار کردن راه و مساعد ساخت زمینه مشارکت همجنس‌گرایان در حکومت‌ها، از آنان پیروی کنند.

در گذشته، همجنس‌گرایان در اروپا در طول قرن‌ها به القاب مختلف و تحقیرآمیزی، خوانده شده و با مجازات‌هایی مواجه می‌شدند که آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد. در سال 1260م، در شهر اورلیونز مجازات برداشتن بیضه برای مردان همجنس‌گرا، برداشتن بیضه (ختنه‌گاه) برای زنان همجنس‌گرا در بار اول، برداشتن آلت تناسلی و سینه‌ها در بار دوم و مجازات سوزاندن در بار سوم وضع شد. مجازات همجنس‌گرایان پس از انقلاب فرانسه لغو شد. در سال‌های 1942م و 1981م، فرانسه تنها در تغییر سن مجاز، برای انجام اعمال همجنس‌گرایی مراحلی را طی کرد. در سال 1985م قانون مبارزه با تبعیض بر گرایش جنسی تصویب شد و در سال 2010م همجنس‌گرایی از بیماری روانی حذف و در نهایت همجنس‌گرایان در سال 2013م مجاز به ازدواج شدند.

در انگلیس در قرون وسطی وضعیت نیز چنین بود، اما انگلیس نیز با لغو مجازات اعدام برای همجنس‌گرایان در سال 1861م به فرانسه پیوست و حبس ابد را جایگزین آن کرد. سپس اسکاتلند در سال 1889م از آن پیروی کرد. در سال 1967م، همجنس‌گرایی در انگلیس از لیست جرایم حذف و در واژه بر روی همجنس‌گرایان باز شد تا انحرافات شان را بدون مجازات انجام دهند. مارک سایکس انگلیس که در هوتلی در پاریس بر اثر ابتلا به آنفولانزای اسپانیایی فوت کرد و کسی بود که نامش با توافقنامه تقسیم و ترسیم مرزها در بین سرزمین‌های مسلمانان گره خورده است، در فهرست همجنس‌گرایان قرار داشت.

ایتالیا: صاحب واتیکان، برای اعدام همجنس‌گرایان به قانون ژوستینیان استناد کرد، با این حال شهرهای جنوب ایتالیا، مانند فلورانس و بندقیه، قبلاً به اعمال زشت خود مشهور بودند. ایتالیا تحت تأثیر همسایگی اروپایی‌ها قرار گرفت و مجازات اعدام همجنس‌گرایان را کنار گذاشت و اوضاع به جایی رسید که دهه هشتاد قرن گذشته شاهد تأسیس یکی از بزرگترین گروه‌های همجنس‌گرا در جهان به تعداد 150000 همجنس‌گرا بود و همجنس‌گرایی با حضور همجنس‌گرایان سر از واتیکان بیرون کرد.

اما استرالیا، کانادا و نیوزلند، آن‌ها مانند بقیه کشورهای غربی با همجنس‌گرایان همراهی نمودند و با تغییر قوانین مربوط به همجنس‌گرایان و مشروعیت بخشیدن به وجود آن‌ها، جرم پنداشتن همجنس‌گرایی را کنار گذاشتند.



شایان ذکر است که کلمه جرم و گناه از پسوند و یا پیشوند هم‌جنس‌گرایی از فرهنگ لغت اروپایی حذف شد و کلمه بیماری جایگزین شد و سپس کلمه بیماری نیز حذف شد و به جای آن اصطلاح تمایل به هم‌جنس‌گرایی قرار گرفت! اعمال هم‌جنس‌گرایی اروپا را در اختیار گرفته و هم‌جنس‌گرایان اجازه دارند که در شهرهای مختلف آن جشن بگیرند، چه رسد به ظاهر شدن. این قاره کهن با هم‌جنس‌گرایی به جای رسیده که تعریف ازدواج را که عبارت از پیوند بین زن و مرد می‌باشد، به پیوند بین دو مرد یا دو زن که کلیسا برای شان تبریک گوید، اطلاق می‌نمایند! چنان‌چه در سال 2001م، هلند اولین کشوری بود که به ازدواج هم‌جنس‌گرایان اجازه داد و پس از آن بلژیک، اسپانیا، کانادا، ناروژ، سوئد، پرتغال، ایسلند، دنمارک، فرانسه، انگلیس، اسکاتلند، لوکزامبورگ، ایرلند، فنلند، مالت، آلمان و اتریش در سال 2019م، طوری که کلیساها در ابتداء در سال 2009م در سوئد و سپس در ایسلند و ناروژ به ازدواج هم‌جنس‌گرایان تبریک گفتند. ادامه دارد...

### برگرفته از شماره 443 مجله الوعی

نویسنده: المهندس شفیق خمیس - ولاية الیمن

مترجم: محمد علی مطمئن